

*Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,*  
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)  
Monthly Journal, Vol. 20, No. 1, Spring 2020, 265-282  
Doi: 10.30465/crts.2020.5051

## **A Critique on the Book “*Catalogue of Manuscripts on Alchemy and Related Sciences within Iranian Libraries*”**

**Ali Kavousi-Rahim\***

### **Abstract**

The purpose of the present paper is to criticize the “*Catalogue of Manuscripts on Alchemy and Related Sciences within Iranian Libraries*” by Zohre Māziār and Nasibe Ranjbardār, which has been published in 2013/1392, along with an introduction made by Yousof Beyg Bābāapour. Nowadays, since the research on Islamic alchemy is in its infancy, the compilation of such a catalog could be acknowledged as a necessary reference for future studies on alchemy. The importance of a catalog comes from this way that it is the connective ring between ancient manuscripts and their editors. But, as concluded in this paper, that contribution would not be useful in the subject, in spite of its proper title. In the present critical analysis, we have remarked six major deficiencies of this catalog. Exclusive quotation from previously published DENA catalog without appropriate referencing to it, frequent writing mistakes and omitting a significant number of manuscripts could be reported as three major defects of this catalog. In my opinion, this catalog shall mislead the researchers in their way to detect the manuscripts instead of guiding them in a right path.

**Keywords:** “Catalogue of Manuscripts on Alchemy and Related Sciences within Iranian Libraries”, DENA Catalogue, Alchemy, Handwritten Manuscripts

---

\* PhD in History of Science, Academic member of Materials and Energy Research Center, Tehran, Iran,  
a.kavosirahim@merc.ac.ir, kavousirahim@yahoo.com

Date received: 2019-02-27, Date of acceptance: 2019-12-11

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## نقدی بر فهرست‌واره نسخه‌های خطی کیمیا و علوم وابسته در کتاب‌خانه‌های ایران

علی کاوسی رحیم\*

### چکیده

هدف از نگارش مقاله حاضر نقد اثری با عنوان فهرست‌واره نسخه‌های خطی کیمیا و علوم وابسته در کتاب‌خانه‌های ایران است که زهره مازیار و نسیمه رنجبردار با مقدمه‌ای به قلم یوسف بیگ‌باباپور در سال ۱۳۹۲ به چاپ رسانده‌اند. با توجه به این‌که پژوهش در زمینه کیمیا در حوزه تمدنی اسلام و ایران در آغاز راه قرار دارد در نگاه نخست تدوین فهرست‌واره‌ای در این زمینه بسیار نویدبخش و مفید به نظر می‌رسد، فهرست‌واره‌ها حلقه واسط بین پژوهش‌گران متون کهن و نسخ خطی هستند و تدوین یک فهرست‌واره اولین گام در مسیر پژوهش‌های مبتنی بر نسخ خطی است. چنان‌که در بخش نخست مقاله ذکر خواهد شد، تنها امتیاز اثر یادشده همین است. آن‌گاه در بخش دوم این مقاله کاستی‌های این فهرست‌واره در شش محور طرح و به اختصار بیان شده است. بهره‌بردن انحصاری از فهرست‌واره *دنا* بدون ارجاع مناسب به آن، اشتباهات و اغلاط نگارشی فراوان، و فروگذارکردن تعداد قابل توجهی از نسخ خطی سه نقص اساسی است که متوجه این اثر است. در مجموع، آن‌چه در این فهرست‌واره آمده نه تنها حق مطلب را ادا نکرده است، بلکه به‌زعم نگارنده این مقاله پژوهش‌گران این حوزه را دچار تشویش خواهد کرد.

\* دکترای تاریخ علم دوره اسلامی، پژوهش‌گر پژوهشگاه مواد و انرژی، تهران،

a.kavosirahim@merc.ac.ir, kavousirahim@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۰۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۰

**کلیدواژه‌ها:** فهرست‌واره نسخه‌های خطی کیمیا و علوم وابسته در کتاب‌خانه‌های ایران، فهرست‌واره دنا، کیمیا، نسخ خطی.

## ۱. مقدمه

اهمیت نسخه‌های خطی که میراث مکتوب تمدن اسلامی - ایرانی را در بر دارند بر کسی پوشیده نیست. تصحیح این نسخ و بازآفرینی آثار علمی گذشتگان رسالتی است که برعهده مصححان متون کهن است؛ مصححانی که ضمن برخورداری از دانش‌های گوناگون با صداقت و امانت‌داری و البته تحمل رنج و شکیبایی علوم و اندیشه‌های مندرج در نسخه‌ها را به جامعه علمی و عموم علاقه‌مندان عرضه می‌کنند. در این میان، فهرست‌نگاری نسخ خطی حلقه‌ی اصلی بین مصحح و گنجینه‌ی نسخ قرار می‌گیرد. فراهم کردن یک فهرست خوب تلاشی بسیار ارزشمند است که موجب می‌شود مصحح یا پژوهش‌گر با کم‌ترین زحمت اطلاعات نسخ خطی را در اختیار داشته باشد و بیش‌تر وقت و تلاش خود را مستقیماً به پژوهش موردنظر خویش مصروف دارد. از سوی دیگر، یک فهرست ناقص، ضمن آن‌که پژوهش‌گر را دچار تشویش و سردرگمی می‌کند، ممکن است کتابی خطی را برای همیشه از گردونه‌ی مطالعه و تصحیح خارج کند. لذا، فهرست‌ها و فهرست‌واره‌هایی که معیارهای لازم را نداشته باشند نه تنها سودی نمی‌بخشند، بلکه آغازگر کاستی‌هایی در زمینه‌ی نسخه‌پژوهی می‌شوند. استاد نجیب مایل هروی با اشاره به انبوه نسخ خطی مربوط به تمدن اسلامی که در گوشه و کنار جهان پراکنده‌اند ضرورت فهرست‌نگاری علمی و صحیح را چنین یادآور شده است:

فهرست‌نویسی نسخ خطی در کشورهای اسلامی می‌بایست یک ضرورت تحقیقاتی، آن‌هم از گونه‌ی تحقیقات کلیدی، محسوب شود و هم نظریه‌پردازی در خصوص فهرست‌نگاری مخطوطات اصلی پژوهشی به‌شمار آید تا بر اثر ارائه نظریه‌های انتقادی در زمینه‌های تألیف فهرست‌های مبتنی بر سنت‌های نسخه‌پردازی و کتاب‌شناسی‌هایی که متضمن نوع و گونه «کتاب» باشند نسخه‌ها به صورتی تعریف و توصیف شوند که فهرست نسخه‌شناسانه / کتاب‌شناسانه آنها بتواند پایه‌های شناختگی تاریخ تفکر و تمدن اسلامی را استوار سازد (مایل هروی ۱۳۸۰: ۳۷۶).

از آن‌جاکه ذخایر قابل توجهی از نسخ خطی در کتابخانه‌های ایران قرار دارند، تاکنون تلاش‌هایی برای فهرست‌نویسی آن‌ها انجام شده است؛ مصطفی درایتی، که تعداد نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه‌های ایران را ۳۰۰۹۶۸ نسخه برشمرده است، ۹۶ نفر از فهرست‌واره‌نویسان ایرانی را نیز نام برده است (درایتی ۱۳۸۸: چهل و پنج - چهل و هفت).

میراث مکتوب نهفته در نسخ خطی، ضمن این‌که موردقبال مخاطبان عام و خاص است، در حوزه‌هایی مانند تاریخ علم و فلسفه علم به‌عنوان اسناد دست‌اول دست‌مایه پژوهش قرار می‌گیرد و اهمیت خاص می‌یابد. باوجود سابقه پر بار علم و دانش در تمدن اسلامی و نقش محوری دانش‌مندان ایرانی، امروزه پژوهش‌های تاریخی و فلسفی درباره علم دوره اسلامی در آغاز راه قرار دارد. در قیاس با سایر رشته‌ها و حوزه‌ها، پژوهش‌ها و تصحیحات انجام‌شده درباره کیمیا کم‌تر و حتی شاید انگشت‌شمار است. پژوهش در باب کیمیا از آن‌رو دشوارتر است که در متون کیمیایی گستره وسیعی از مفاهیم فلسفی، مذهبی، عرفانی، و البته تجربی و مهارتی درهم تنیده‌اند؛ آن‌گاه بسیاری از مطالب با زبانی رمزی و نمادین بیان شده‌اند و در برخی موارد ادعاهای مبهم و غیرقابل اثبات متون کیمیایی را همراهی می‌کنند. به‌هرحال، بااین‌که کیمیا به‌عنوان یک علم در دنیای امروزی حضور ندارد، به‌نظر می‌رسد این شاخه از دانش گذشتگان شایان مطالعات تاریخی و فلسفی است و در این راستا آشنایی با کم‌وکیف نسخ خطی این حوزه لازمه مطالعات بعدی است.<sup>۱</sup>

باتوجه به آن‌چه در باب کیمیا گفتیم، اهمیت فهرست‌واره‌هایی که درباره نسخ خطی کیمیا نگارش یافته باشند روشن است. در این پژوهش، فهرست‌واره نسخه‌های خطی کیمیا و علوم وابسته در کتابخانه‌های ایران، که به‌نظر می‌رسد تنها فهرست‌واره منتشرشده در این زمینه باشد، موردتوجه قرار گرفته است. این اثر، که از این‌پس به‌اختصار با نام فهرست‌واره از آن یاد می‌شود به‌کوشش زهره مازیار و نسیمه رنجبردار و در انتشارات سفیر اردهال در تهران و در سال ۱۳۹۲ چاپ و منتشر شده است. این فهرست‌واره در یک جلد و مشتمل بر ۳۲۰ صفحه است. چهل صفحه ابتدایی اثر به «درآمد» اختصاص یافته و نمایه‌ای که مشتمل بر «فهرست مؤلفین» است در پایان کتاب ارائه شده است. یوسف بیگ باباپور مقدمه‌ای بر فهرست‌واره یادشده نگاشته و اثر به فرید قاسملو تقدیم شده است. در نگاه اول، وجود چنین فهرست‌واره‌ای برای علاقه‌مندان به

کیمیا، از جمله نگارنده این مقاله، بسیار خوش حال‌کننده است. اساساً از همین منظر بود که این فهرست‌واره مورد توجه نگارنده نوشتار حاضر قرار گرفت. ابتدا با هدف استفاده از آن بدان رجوع شد، لکن پس از آن که معلوم شد اهداف موردانتظار از این فهرست‌واره برنمی‌آید تصمیم بر آن شد که با نگارش این مقاله برتری‌ها و کاستی‌های این فهرست‌واره در معرض توجه اهل فن قرار گیرد. نگارنده این نوشتار، ضمن احترام به پدیدآورندگان اثر، این فهرست‌واره را موردنقد قرار می‌دهد و مطالب خود را در دو بخش، شامل موارد مثبت و موارد منفی، ارائه می‌کند.

## ۲. امتیازات فهرست‌واره

تنها نکته قابل ذکر در باب وجوه مثبت و نقاط قوت این فهرست‌واره موضوع و عنوان اثر است که در پژوهش‌های درباب کیمیا جایش خالی بوده است. در برخی دیگر از رشته‌های علوم و فنون نیز هنوز فهرست‌واره تخصصی از نسخ خطی برجای مانده از ادوار گذشته تدوین نشده است. چنان‌که در مقدمه اشاره شد، پژوهش در زمینه کیمیا در دوره اسلامی در آغاز راه خویش قرار دارد و لذا هر گامی در این زمینه برداشته شود بسیار ارزشمند است و پژوهش‌هایی که بتوانند مبنا و راه‌گشای تحقیقات بعدی قرار گیرند بسیار سودمند خواهند بود. نگارنده در این جا بر موضوع بکر این فهرست‌واره تأکید می‌کند و البته وجه مثبت اثر را به همین ویژگی منحصر و محدود می‌داند. در ادامه و در قالب بخشی مستقل، وجوه منفی اثر بیان خواهد شد و آشکار خواهد شد که نکات منفی و نقاط ضعف به قدری غلبه دارد که عملاً فایده این فهرست‌واره را زایل کرده است.

## ۳. کاستی‌های فهرست‌واره

### ۱.۳ عدم ارجاع مناسب به دنا

آنچه پیش از هرچیز باید موردتوجه قرار گیرد این است که آنچه در این فهرست‌واره آمده است تماماً از فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)<sup>۲</sup> اثر مصطفی درایتی نقل شده است و هیچ مطلب یا مدخلی بدان افزوده نشده است. نگارنده نوشتار حاضر برای اطمینان از این موضوع یک‌دهم از ابتدای کتاب (مندرج در صفحات ۴۲ تا ابتدای صفحه ۶۸) را واژه‌به‌واژه با فهرست‌واره دنا تطبیق داد. در این

صفحات، حتی یک مدخل به مطالب منقول از *دنا* افزوده نشده است. هم‌چنین به‌طور پراکنده بخش‌های دیگری از فهرست‌واره با فهرست‌واره *دنا* تطبیق داده شد و نتیجه مشابهی به‌دست آمد.

ناگفته نماند که فقط یک نوبت (در مقدمه) از فهرست‌واره *دنا* نام برده شده است و آن هم چنین القا شده است که *دنا* حاوی نسخی است که تا سال ۱۳۸۸ شناخته شده بوده‌اند و فهرست‌واره حاضر مطالب دیگری بر آن افزوده است:

فیش‌برداری‌های اولیه از فهرست‌واره ارزش‌مند *دنا* (فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران) که توسط آقای مصطفی درایتی در سال ۱۳۸۸ از سوی کتابخانه مجلس منتشر شده بود صورت گرفت؛ اما خود فهرست‌واره *دنا* به‌نوبه خود اگرچه کارگشا و مهم است، اما شامل نسخ خطی معرفی‌شده در کتابخانه‌های ایران تا سال ۱۳۸۸ را داراست و فهرستی که در این سه سال منتشر شده است را در ضمن خود ندارد. (مازیار و رنجبردار ۱۳۹۲: ۳۷-۳۸).

باتوجه به این که ارجاع دقیق به منابع مورداستفاده یکی از اصول اولیه و لازم در همه‌نوع انتشارات علمی اعم از کتاب، مقاله، و ... است، لازم بوده است که نویسندگان محترم به‌رسم امانت‌داری علمی بر این مطلب تصریح کنند که آنچه در این فهرست‌واره گرد آورده‌اند گزینش نسخ حوزه کیمیا از فهرست‌واره *دنا* بوده است؛ البته چنان‌که در ادامه خواهیم گفت همین مقصود نیز حاصل نشده است. در آن صورت، معلوم می‌شد که اثر مستقلاً تدوین نشده است، درحالی که نویسندگان گرامی چنین القا می‌کنند که اثری مستقل از فهرست‌واره *دنا* پدید آورده‌اند. براساس آنچه در این بخش گفتیم شایسته است عنوان این اثر به عنوانی نظیر «مداخل کیمیایی در فهرست‌واره *دنا*» تغییر یابد.

### ۲.۳ مقدمه نامناسب

ازمنظر نقد سلبی بر این فهرست‌واره، یعنی مواردی که در فهرست‌واره مغفول مانده است، نامناسب بودن مقدمه قابل‌ذکر است. اساساً در یک فهرست‌واره، داشتن مقدمه‌ای که بستر نظری و مفهومی مدنظر فهرست‌واره را طرح کند، تاریخچه و دیگر فهرست‌واره‌های احتمالی آن حوزه را روشن کند، به علائم و اختصارات بپردازد، و ... ضروری است، اما در این اثر صرفاً مقاله‌ای درباب کیمیای دوره اسلامی، که پیش‌تر چاپ شده بوده است،

گنجانده شده است که به‌عنوان مقدمه کفایت نمی‌کند. آنچه در بخش «درآمد» و البته با عنوان «از کیمیای جابری تا کیمیای رازی» مندرج است (صفحات ۵ الی ۳۶) عین مقاله‌ای<sup>۳</sup> است که در نشریه کتاب ماه علوم و فنون، مردادماه ۱۳۸۹، ش ۱۲۸، صص ۸۴-۹۶ با عنوان «نگاهی اجمالی به پیشینه علم کیمیا (از کیمیای جابری تا کیمیای رازی)» چاپ شده است. گرچه مقاله یادشده نیز به‌قلم نویسنده مقدمه (یوسف بیگ باباپور) نوشته شده است، دست‌کم انتظار می‌رفت که حقوق مجله یادشده رعایت و این نکته در پانویشت گوش‌زد می‌شد که این مطالب پیش‌تر در مجله کتاب ماه علوم و فنون به‌چاپ رسیده است. علاوه‌براین، در صفحه ۸ (بند پایانی) چنین آمده است: «در این مقاله سعی شده است تا با بررسی اجمالی برخی آثار موجود در زمینه علم کیمیا به بررسی سیر تکون و تحول ...». درحالی‌که بهتر است به‌جای واژه «مقاله» واژه‌ای مانند مقدمه، درآمد، و ... درج شود.

در انتهای این بخش (صفحات ۳۷ الی ۳۹)، با عنوان «درباره فهرست‌واره حاضر» مطالب مختصری آورده شده است که عمدتاً به انگیزه تألیف اثر و جای خالی آن در بازار نشر پرداخته است. چنین مطالبی در عرف تألیف و انتشار کتاب در بخش «پیش‌گفتار» ارائه می‌شود و به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند به‌عنوان «مقدمه» تلقی شود.

### ۳.۳. اغلاط فراوان

یکی از مشکلات اصلی و نگران‌کننده این فهرست‌واره، که حتی در یک تورق ساده و بدون مقایسه با فهرست‌واره دنا قابل مشاهده است، وجود اغلاط نگارشی فراوان است. گویی نویسندگان محترم از این امر غافل بوده‌اند که قرار است خوانندگانی این مطالب را مطالعه کنند. اشتباهات نگارشی به قدری پرتکرارند که هرگز نمی‌توان فرض کرد که از روی سهو روی داده باشند. یکی از بدترین نوع این اشتباهات درج اشتباه شماره نسخه است، درحالی‌که کلیدی‌ترین کمک یک فهرست‌واره به پژوهش‌گر آگاهی‌دادن از شماره نسخه در کتاب‌خانه مربوطه است. نمونه‌ای از این اشتباهات در: نسخه شماره ۱/۱۳۲۳ کتاب‌خانه مفتاح تهران از نسخه‌های کتاب «امر مستور الصنعة» رخ داده است که به اشتباه ۱/۵۳۲۳ درج شده است (ص ۵۸)؛ هم‌چنین درج شماره ۱۹۸۱ به‌جای ۱۰۸۵۱ مربوط به تنها نسخه «اشارات اسرارالحکماء» در کتاب‌خانه آستان قدس رضوی (ع) (ص ۴۸)، و ...



از موارد دیگری که در سرتاسر فهرست‌واره دیده می‌شود خلط بین «ه» (فارسی) و «ه» (عربی) است و عموماً خواننده باید در قرائت صحیح آن تلاش کند و به اصطلاح از خود اجتهاد کند. از آن‌جا که عناوین بسیاری از آثار مخطوط عربی است، ضبط دقیق عناوین آثار عربی از یک فهرست‌واره موردانتظار است. یادآوری می‌کنیم که در فهرست‌واره *دنا* این مهم رعایت شده است؛ اما در این‌جا نویسندگان محترم در انتقال مطالب بی‌توجهی کرده‌اند. مثال بارزی از این بی‌توجهی در صفحه ۲۹۹ به چشم می‌خورد؛ دو مدخل «هدایة الحکیم» و «هدایة المشتاقین» به درستی ضبط شده‌اند، درحالی‌که مدخل مابین آن دو «هدایة المتحیرین» درج شده است.

نکته مهم آن است که در بسیاری از موارد اشتباه به‌گونه‌ای است که نشان می‌دهد نویسندگان کم‌ترین همتی برای درست‌نوشتن صرف نکرده‌اند. به این مثال‌ها توجه کنید:

- در صفحه ۶۵، «پراکلسوس» (Paracelsus) که نام یک دانش‌مند یونانی است، هم در عنوان مدخل و هم در معرفی نسخه به‌اشتباه «پراکلسوس» درج شده است، درحالی‌که اولاً *دنا* در هر دو موضع درست ضبط کرده است و ثانیاً نویسندگان محترم با کم‌ترین جست‌وجو در فضای مجازی می‌توانستند از صورت صحیح این واژه آگاهی یابند.

- در معرفی نسخه شماره ۱۰۶/۲ کتاب‌خانه دایرةالمعارف بزرگ اسلامی در تهران، که یکی از نسخ کتاب تجارب شهریاری است، اشتباه نویسندگان منجر به این شده است که کتاب دارای پانزده باب معرفی شود: «۱۰. تدبیر عته‌ها ... ۱۵. مزاجت به‌اجمال» (ص ۶۷)؛ درحالی‌که کتاب بیست باب دارد و فهرست‌واره *دنا* نیز به‌درستی این مطلب را رسانده است: «۱۰. تدبیر عقدها ... ۱۵. تدبیر تصفیه اجساد ... ۲۰. مزاجت به‌اجمال» (درایتی ۱۳۸۸: ج ۲، ۷۹۲). وانگهی در توضیحات نسخه‌های بعدی نیز به این‌که کتاب بیست باب دارد اشاره شده است!

- در صفحه ۲۶۹، به‌جای «میرفندرسکی»، که نامی شناخته‌شده در تاریخ و تمدن اسلامی است، «میر خندر لسکی» ضبط شده است.

بازشماری همه اغلاط نگارشی و علائم و ... در مجال این مقاله اولاً ناممکن و ثانیاً ملال‌آور است. در این‌جا به‌عنوان نمونه، یک صفحه از اثر را در شکل ۱ نشان داده و اغلاط آن را متذکر شده‌ایم:

	همدان ف: ۱۱۲۵
	→ ۱
تیمین الحجر (رساله فی) (عربی)	۲ الناج و فلسفه المولود (عربی)
از: طفرائی، حسین بن علی (۴۵۵-۵۱۴ ق)	از: ماریه بنت شمعون قبطیه مصریه ( -
نسخه‌ها:	۱۶ ق)
- (قم - مرکز مطالعات ش: ۹۱۱/۳)	نسخه‌ها:
نستعلیق / بی تا / ۱ برگ (۳۵ - ۳۶) /	- (قم - مرکز احیاء ش: ۲۰۰۷/۱۱) / نسخ /
ف: ۲-۱۷۵	محمود حسدی / بی تا / ۳ صفحه (۱۵۸ -
	۱۶) / (عکس ف: ۶-۱۸)
تتمه رساله حل الطلسم (عربی)	تبدیل اکسیر و مصرف کیمیا (فارسی)
از: عمری، ابوالعباس ( - ۹۰۵ ق)	از: ؟
نسخه‌ها:	نسخه‌ها:
- (قم - مرعشی ش: ۳۰۱۶/۲) / نسخ / قرن	- (تهران - مفتاح، محمد حسین ش:
۱۳ / ۴ برگ (الف - ۱۹ ب) / ف: ۲۳-۳۰	۱۳۲۳/۳) / قرن ۱۲ / (نشریه: ۷-۲۷۸)
	→ ۴
تتمه کنز الحکمة (عربی)	التبییض و التصغیر (عربی)
از: ابن مسکویه، احمد بن محمد ( - ۴۲۱ ق)	از: جابر بن حیان (۱۲۰-۱۹۸ ق)
وابسته به: کنز الحکمة فی العلم الصنعة	نسخه‌ها:
الالهیه، ابن وحشیه، احمد بن علی ( - ۲۹۶)	- (تهران - ملی ش: ۱۸۶۳/۱۳) / نستعلیق /
نسخه‌ها:	عبدالنبی شافعی و عزیزالله قادری / ۱۱۵۲ /
- (مشهد - رضوی ش: ض ۱۴۱۴۸) /	۲ صفحه (۴۸-۵۰) / ف: ۱۰-۴۴۸
نستعلیق / ۱۲۷۵ / الفبا ف: ۱۰۳	
	→ ۵
تجارت شهریار (فارسی)	التبییض و التلمیح (عربی)
از: شهریار بن بهمنیار پارسی (ق ۵ ق)	از: ؟
وابسته به: سرالاسرار؛ رازی، محمد بن زکریا	نسخه‌ها:
(۲۵۱ ق)	- (تهران - مهدوی، اصغر (دکتر) ش:
نسخه‌ها:	۲۸۰/۳۱) / قرن ۱۳ / (نشریه: ۲-۱۰۴)

شکل ۱. اغلاط و اشتباهات موجود در یک صفحه (صفحه ۶۶) از فهرست‌واره

باتوجه به شماره‌های مندرج در شکل ۱، هشت اشتباه به شرح زیر در این صفحه قابل ذکر است:

۱. در این موضع، کتاب تاج مرصع از تنکوشاه کبیر تبریزی فراموش شده است، درحالی که در فهرست‌واره دنا یاد شده است.

۲. الناج: «التاج» صحیح است.

۳. فلسفه: «خلقة» صحیح است.

۴. در این موضع، کتاب التبویب از جابر بن حیان فراموش شده است.

۵. التصغیر: در عنوان این منبع، «التصغیر» به معنای زردکردن صحیح است.

۶. التلمیح: در این جا، «التلمیح» به معنای درخشان کردن صحیح است.

۷. ۴ برگ: «۱۴ برگ» صحیح است.

۸. تجارت: «تجارب» صحیح است.

ملاحظه می‌شود که دو اثر که در فهرست‌واره *دنا* نیز آمده است در همین یک صفحه از فهرست‌واره فراموش شده‌اند (ردیف‌های ۱ و ۴). گرچه برخی اشتباهات مانند آنچه در ردیف ۲ اتفاق افتاده است به‌طور منطقی ممکن است روی دهد، چراکه قرینه‌ای برای اصلاح آن در مدخل وجود نداشته است، به‌رحال دو اشتباه (ردیف‌های ۲ و ۳) در ضبط عنوان یک اثر برای یک فهرست‌واره قابل‌اغماض نیست. بسیاری از اشتباهات مذکور با کم‌ترین توجهی قابل‌پرهیز بوده است؛ از جمله در ردیف‌های ۵ و ۶ با دقت در کلمه پیشین (تبیض) معلوم می‌شود که واژه دوم به‌نوعی باید معنایی متناسب با رنگ و ... داشته باشد. به‌همین ترتیب، در ردیف ۷ با توجه به دو عدد ۶ و ۱۹ معلوم می‌شود که فاصله بین آن دو ۱۴ برگ خواهد بود نه ۴ برگ. هم‌چنین عنوان کتاب *تجارب شهریاری* در ضمن معرفی یکی از نسخ مربوط به همین مدخل (نسخه ۴۱۱۷/۵ کتاب‌خانه مرکزی دانشگاه تهران) در سطور پایین‌تر در فهرست‌واره *دنا* آمده است که توجه به آن می‌توانست مانع از اشتباه در ضبط عنوان کتاب شود.

از آن‌جاکه متن اصلی این فهرست‌واره حدود ۲۶۰ صفحه است، اگر همه صفحات به این نسبت حاوی اشتباهات و اغلاط نگارشی باشد، تعداد اشتباهات در کل فهرست‌واره به بیش از دوهزار خواهد رسید! البته در اغلب صفحات، تعداد اغلاط کم‌تر از هشت است، اما به‌جرئت می‌توان گفت که هیچ صفحه‌ای بی‌غلط نیست.

### ۴.۳ فروگذاری تعدادی از مداخل

نقد جدی دیگری که بر این فهرست‌واره وارد است فروگذار کردن تعداد قابل‌توجهی از آثار خطی است. فراموشی برخی از مداخل در یک فهرست‌واره (!) آن هم درحالی‌که نویسندگان فهرست‌واره *دنا* را در اختیار داشته‌اند حقیقتاً نابخشودنی است. با توجه به این‌که

اساساً هدف از تدوین فهرست‌واره‌ها ثبت و ضبط اطلاعات نسخه‌هاست، به گونه‌ای که پژوهش‌گران با استناد به فهرست‌واره در صدد جست‌وجوی نسخ برآیند، سهو در ضبط یک یا چند نسخه در یک فهرست‌واره برای همیشه دست پژوهش‌گران را از آن نسخه‌ها کوتاه می‌کند. این نکته مهم همواره در مقاله‌ها و نوشته‌های اهل فن مورد تأکید است که کم‌کاری فهرست‌نگار در درج عنوان و مشخصات یک اثر خطی آن را از گردونه تصحیح و پژوهش خارج می‌کند و عملاً بخشی از میراث مکتوب یک ملت را به فراموشی می‌سپارد.

بر اساس یک بررسی دقیق، در ۲۶ صفحه ابتدایی فهرست‌واره (در بخش ۳-۱ نیز از آن یاد شد) که یک‌دهم از حجم فهرست‌واره را شامل می‌شود ۲۴ کتاب خطی مورد غفلت واقع شده است که بسیار نگران‌کننده است. با توجه به این که در حوزه‌ییمیای اسلامی، تاکنون فهرست‌واره مستقلی تدوین نشده است، اگر پژوهش‌گران حوزه‌ییمیای در جست‌وجوی نسخ به این فهرست‌واره استناد کنند، اعتبار پژوهش‌های ایشان از پیش معلوم است!

این ۲۴ اثر عبارت‌اند از:

۱. الأجداد السبعة و الکباریت السبعة
۲. الأسرار (ترجمه و مختصر)
۳. الأسرار و اثنی عشرية (ترجمه و مختصر)
۴. اصول شیمی‌آلی
۵. اصول صناعت و امور غریبه
۶. اصول صناعیه و امور غریبه
۷. اصول صنعت اکسیر
۸. الأصول العشرة من درر الأنوار
۹. اصول الکبیر
۱۰. اعمال عمده شیمی
۱۱. اعمال الغریبه = رنگ و رنگ‌سازی
۱۲. اعمال کیمیای (عربی)
۱۳. اعمال کیمیای (فارسی)
۱۴. اعمال مجربه
۱۵. افضل المعجزات

۱۶. الأکسیر (از: عبدالرحمان)

۱۷. الباهر = کتاب الباهر

۱۸. البحریه (عربی)

۱۹. البحریه (ترجمه)

۲۰. البحریه (ظاهراً متفاوت از دو اثر پیشین)

۲۱. البرهان فی اسرار علم المیزان

۲۲. بوردق الحکماء

۲۳. تاج مرصع

۲۴. التبویب

اگر فرض کنیم در ادامه فهرست‌واره نیز به همین نرخ برخی از آثار به‌دست فراموشی سپرده شوند، در سراسر کتاب ۲۴۰ اثر از دست‌رس پژوهش‌گران خارج خواهد شد! علاوه‌براین، در ۲۶ صفحه یادشده در مداخل موجود نیز تعداد چهار مورد از نسخه‌ها فراموش شده است که به‌سبب رعایت اختصار از بازشماری آن‌ها پرهیز می‌کنیم.

### ۵.۳ صفحه‌شماری نامناسب

یکی از کاستی‌هایی که در اولین مواجهه خواننده با فهرست‌واره خود را نشان می‌دهد این است که برخلاف عرف معمول، که شماره صفحات کتاب از ۱ شروع می‌شود، در این‌جا از ۵ شروع شده است؛ به‌عبارت‌دیگر، به صفحات بسم‌الله، عنوان، کتاب‌شناسی، و ... شماره صفحه اختصاص یافته است. علاوه‌براین، بخش «درآمد» نیز با همان شماره متن اصلی شماره‌گذاری شده است که این نیز متفاوت از شیوه معمول است. معمولاً بخش «درآمد» و بخش‌های با عناوین مشابه را به سبکی غیر از شماره صفحات متن اصلی کتاب، و اغلب با حروف (یک، دو، ...) شماره‌گذاری می‌کنند؛ به‌عبارت‌دیگر، در این اثر، صرفاً یک‌سری شماره صفحات وجود دارد که از صفحه بسم‌الله آغاز شده و تا آخرین صفحه کتاب (صفحه ۳۲۰) ادامه پیدا کرده است. به‌این ترتیب، متن اصلی فهرست‌واره از صفحه ۴۲ آغاز شده است، درحالی‌که انتظار می‌رفت از صفحه ۱ آغاز شده باشد. هم‌چنین، فقدان بخش جداگانه «منابع» در این‌جا قابل‌ذکر است. گرچه به‌نظر می‌رسد برخی از این ناهماهنگی‌ها متوجه ناشر باشد، لازم بوده است نویسندگان محترم آن را مرتفع کنند.

### ۶.۳ معرفی نکردن علائم و اختصارات

در سراسر فهرست‌واره، علائم و اختصاراتی دیده می‌شود که هیچ‌گاه معرفی نشده‌اند. این علائم و اختصارات عمدتاً حین معرفی نسخه‌ها در داخل قلاب [] (از قبیل: [ف: ۱۰-۴۴۸])، [نشریه ۷-۲۷۸]، [الفبایی]، [د. ث. و ...] و گاه در خط جداگانه بعد از عنوان آثار آورده شده‌اند (از قبیل: همانند، غیرهمانند، و ...). این‌ها علائمی هستند که فهرست‌واره دنیا برای آدرس‌دهی نسخه‌ها از آن‌ها بهره برده است؛ چنان‌که «ف» به معنای «فهرست»، «الفبایی» به معنای «فهرست الفبایی نسخه‌های خطی کتاب‌خانه آستان قدس رضوی (ع)»، «ف: ۱۰-۴۴۸» به معنای «فهرست (کتاب‌خانه مربوطه) جلد ۱۰، صفحه ۴۴۸»، «د. ث.» به معنای «دفتر ثبت کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی»، و ... است. هم‌چنین «همانند» در جایی به کار رفته است که اثر معرفی شده فاقد نام مؤلف است و چند نسخه از آن در کشور وجود دارد و به معنای آن است که نسخه‌ها مربوط به یک اثر هستند. «غیرهمانند» در مواقعی به کار رفته است که نسخه‌ها عناوین یکسانی دارند، ولی مربوط به آثار متفاوتی هستند.

البته این نقص از آن‌جا ناشی شده است که مطالب این فهرست‌واره از فهرست‌واره دنیا اخذ شده است، در حالی که در فهرست‌واره دنیا رموز و اختصارات معرفی شده‌اند (دراستی ۱۳۸۸: صدویست‌ویک - صدویست‌وشش). به‌هرحال، چنین علائمی یا باید توضیح داده شوند یا از متن فهرست‌واره حذف شوند. برخی از این علائم در شکل ۱ قابل مشاهده هستند.

در مقابل موارد متعدد و متنوعی از نقص و اشتباه که در این فهرست‌واره برشمردیم ممکن است این توجیه آورده شود که حداقل بخشی از این اشکالات متوجه مراحل فنی کار، از قبیل نگارش (تایپ) و صفحه‌آرایی و ... باشد. اما باتوجه به اهمیت و حساسیت فهرست‌واره مسئولیت همه این اشتباهات برعهده پدیدآورندگان است. نگارنده این موضع خود را با استناد به قول یکی از پژوهش‌گران این حوزه، که در مطالعه و تصحیح فهرست‌واره‌ها قبل از چاپ تجاری دارد، مورد تأکید قرار می‌دهد: «فهرست‌نگار باید در تمام مراحل حروف‌چینی، نمونه‌خوانی، و صفحه‌آرایی، و حتی چاپ فهرست حاضر و ناظر باشد، تا کتابی بی‌غلط یا کم‌غلط ارائه دهد والا کاربران وجود هر اشتباهی در فهرست را از چشم فهرست‌نگار خواهند دید» (حافظیان ۱۳۹۵: ۲۲). مطلبی که به نظر می‌رسد فهرست‌واره مورد نظر از نداشتن آن به شدت رنج برده است ویرایش علمی و ادبی فهرست‌واره قبل از انتشار بوده است. نمونه‌ای از این‌گونه ویرایش که منجر به اصلاحاتی اساسی در ده بخش جداگانه در یک فهرست در آستانه انتشار اعمال شده است در مقاله اخیر قابل ملاحظه است (حافظیان ۱۳۹۵: ۱۸-۲۴).

در پایان، باتوجه به آنچه گفته شد و ضمن احترام به پدیدآورندگان این فهرست‌واره، تأکید می‌شود که این فهرست‌واره نه تنها کمکی به تحقیقات بعدی در زمینه کیمیا نخواهد کرد، بلکه اعتماد و ارجاع به آن موجبات سردرگمی پژوهش‌گران و کاستی در پژوهش‌ها را فراهم خواهد کرد. در حال حاضر، اگرچه هم‌چنان جای خالی یک فهرست‌واره تخصصی در زمینه کیمیای اسلامی به چشم می‌خورد، خوش‌بختانه منابع دیگری که حاصل زحمات وافر اهل فن است در دسترس ما قرار دارند. یکی از این منابع ارزشمند فهرست‌واره *دنا* است که به تفصیل درباره آن سخن گفتیم. دیگر منبع ارزشمند و قابل رجوع *فهرستگان نسخه‌های خطی ایران* (فنخا) است که آن هم با کوشش مصطفی درایتی به بار نشسته است و در ۴۵ جلد اطلاعات ذی‌قیمتی از نسخ خطی موجود در کشور را گرد آورده است. اساس *فهرست‌واره فنخا* با *فهرست‌واره دنا* مشترک است، لکن *دنا* بر اطلاعات نسخه‌شناختی نسخ خطی تمرکز کرده است، ولی *فنخا* اطلاعات «کتاب‌شناختی» و توصیفی نسخه‌های موجود در کتابخانه‌های ایران را در بر دارد. *الذریعه الی تصانیف الشیعه* یکی دیگر از منابع قابل ارجاع در باب نسخ خطی است که به همت مرحوم محمدحسن آقابزرگ تهرانی تألیف شده است. نهایتاً *فهرست‌واره کتاب‌های فارسی اثر مرحوم احمد منزوی* در این باب قابل ذکر است.

#### ۴. نتیجه‌گیری

*فهرست‌واره نسخه‌های خطی کیمیا و علوم وابسته در کتابخانه‌های ایران* به کوشش زهره مازیار و نسیمه رنجبردار و در انتشارات سفیر اردیبهشت در تهران و در سال ۱۳۹۲ چاپ و منتشر شده است. اثر در یک جلد و دارای ۳۲۰ صفحه است و مقدمه‌ای به قلم یوسف بیگ باباپور بر آن نوشته شده است. باتوجه به این که پژوهش در باب نسخ خطی کیمیا هم‌اکنون در مراحل آغازین خود قرار دارد چنین فهرست‌واره‌ای می‌توانست بسیار مفید واقع شود. نگارنده این مقاله، ضمن احترام به پدیدآورندگان این اثر، آن را مورد نقد قرار داده است. چنان‌که گفته شد، تنها امتیاز این *فهرست‌واره* عنوان و موضوعیت آن است که در تحقیقات کیمیا بدان نیاز است، اما متأسفانه کاستی‌های *فهرست‌واره* به قدری غالب است که عملاً آن را غیرقابل اعتنا کرده است. در این مقاله، عمده‌ترین کاستی‌های این اثر با ذکر مثال بدین شرح معرفی شده است:

۱. اقتباس کامل از *فهرست‌واره دنا* بدون ارجاع مناسب به آن؛

۲. مقدمه نامناسب؛

۳. اغلاط نگارشی فراوان؛

۴. فروگذاری تعداد قابل توجهی از مداخل؛

۵. صفحه‌شماری نامناسب؛

۶. معرفی نکردن علائم و اختصارات.

در هر صورت، این همه مسامحه و سهل‌انگاری در رونویسی یک (به اصطلاح) فهرست‌واره ظلم مضاعف به کیمیای مهجور و مکتوم است. در خوش‌بینانه‌ترین حالت، می‌توان توصیه کرد این اثر دوباره اصلاح و بازنویسی شود و با عنوان «مداخل کیمیایی در فهرست‌واره‌ی *دنا*» انتشار یابد. به هر حال، در وضع موجود به هیچ وجه نمی‌توان مراجعه به این فهرست‌واره را توصیه کرد؛ بلکه فهرست‌های معتبری مانند *دنا*، *فنخا* (فهرستگان نسخه‌های خطی ایران) و آثار ارزش‌مندی که به کوشش بزرگانی مثل منزوی و آقابزرگ تدوین شده‌اند، گرچه فقط به میراث مکتوب کیمیا اختصاص ندارند، اطلاعات صحیح‌تر و دقیق‌تری در اختیار پژوهش‌گران این حوزه قرار می‌دهند.

## پی‌نوشت‌ها

۱. امروزه منبع مدونی که اطلاعات کافی درباره کیمیای دوره اسلامی در اختیار ما نهد وجود ندارد. آنچه مسلم است نقش دانش‌وران اروپایی و خاورشناسان در این زمینه بسیار پررنگ‌تر از خود مسلمانان بوده است. به هر حال، برای دستیابی به اطلاعات کلی در این زمینه می‌توان مقاله‌ای از آناواتی (Anawati 1996) را که مروری اجمالی به کیمیای اسلامی داشته است و نیز مقاله‌ای دیگر در همان مجموعه که صدور دانش کیمیا از تمدن اسلامی به دنیای لاتین را مورد توجه قرار داده است (Halleux 1996) مطالعه کرد. احمد یوسف الحسن نیز در مقدمه کتاب خود کلیت کیمیای دوره اسلامی را مورد بحث قرار داده است و در ادامه کتاب مطالعاتی موردی درباره کیمیای اسلامی را گرد آورده است (Yousof al-Hassan 2009). از بین منابعی که اکنون به زبان فارسی ترجمه شده و دردسترس قرار دارد شاید بیش‌ترین اطلاعات از جلد چهارم تاریخ نگارش‌های عربی اثر فؤاد سزگین قابل استفاده باشد (سزگین ۱۳۸۰)؛ اما همان‌چنان که از عنوان این اثر برمی‌آید سزگین علاقه‌مند است که کیمیای اسلامی را صرفاً کیمیای عربی معرفی کند که باید از آن برحذر بود. علاوه بر این‌ها، کتاب *کیمیا و عرفان در سرزمین اسلام* اثر پیر لوری که زینب پودینه آقایی و رضا کوهکن آن را به فارسی ترجمه کرده‌اند به زبان و بیان کیمیای اسلامی بسیار نزدیک شده و مباحث کیمیایی را به خوبی طرح کرده است (لوری ۱۳۸۸). محدودیتی که شاید



نقدی بر فهرست‌واره نسخه‌های خطی کیمیا و علوم وابسته در ... (علی کاوسی رحیم) ۲۸۱

متوجه این اثر باشد این است که عمدتاً بر اندیشه‌های جابر بن حیان تمرکز کرده و به دیگر کیمیاگران کم‌تر توجه کرده است. البته این گرایش از آن‌روست که اندیشه جابر در کیمیای اسلامی محوریت دارد.

۲. *دنا*: فهرست‌واره دوازده‌جلدی بسیار ارزش‌مند و مفخم که به‌همت مصطفی درایتی در سال ۱۳۸۹ به‌چاپ رسیده است. این فهرست‌واره اطلاعاتی (عمدتاً نسخه‌شناختی) را گرد آورده است که تا سال ۱۳۸۸ درباره نسخ خطی موجود در ایران در دست‌رس بوده است. بنابر گفته درایتی، تدوین این اثر یک دهه طول کشیده است (درایتی ۱۳۸۸: هفت). *دنا* براساس عنوان اثر مرتب شده است، اما نمایه‌ای از نویسندگان (جلد یازدهم) و نمایه‌ای از کاتبان (جلد دوازدهم) در آن تدارک دیده شده است. درایتی در مقدمه‌ای صدویست‌صفحه‌ای، ضمن برشمردن برخی از دغدغه‌ها و مشکلات موجود، ویژگی‌های کلی فهرست‌واره و نیز رموز و اختصارات به‌کاررفته در فهرست‌واره را معرفی کرده است. درایتی منابع مورد‌استفاده خود را به‌تفصیل معرفی کرده و حدود شصت صفحه از مقدمه را بدان اختصاص داده است (درایتی ۱۳۸۸: شصت‌ویک - صدویست).
۳. این دو مطلب عیناً یک‌سان‌اند. اختلاف آن‌ها در حد جابه‌جایی چند فعل و حرف ربط است.
۴. «عقدها» صحیح است.

## کتاب‌نامه

- بیگ‌باباپور، یوسف (۱۳۸۹)، «نگاهی اجمالی به پیشینه علم کیمیا (از کیمیای جابری تا کیمیای رازی)»، *کتاب ماه علوم و فنون*، دوره دوم، ش ۱۲۸.
- حافظیان، ابوالفضل (۱۳۹۵)، «ضرورت ویرایش علمی فهرست‌های نسخه‌های خطی»، *گزارش میراث*، دوره سوم، س ۱، ش ۱ و ۲.
- درایتی، مصطفی (۱۳۸۹)، *فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)*، تهران: انتشارات مرکز اسناد و کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی.
- سزگین، فؤاد (۱۳۸۰)، *تاریخ نگارش‌های عربی، جلد چهارم (کیمیا، شیمی، گیاه‌شناسی، کشاورزی)*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- لوری، پی‌یر (۱۳۸۸)، *کیمیا و عرفان در سرزمین اسلام*، ترجمه زینب پودینه آقایی و رضا کوهکن، تهران: طهوری.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۸۰)، *تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مازیار، زهره و نسیمه رنجبردار (۱۳۹۲)، *فهرست‌واره نسخه‌های خطی کیمیا و علوم وابسته در کتاب‌خانه‌های ایران*، با مقدمه یوسف بیگ‌باباپور، تهران: سفیر اردهال.

- Anawati, C. George (1996), "Arabic Alchemy", *Encyclopedia of the History of Arabic Sciences*, vol. 3 (Technology, Alchemy and Life Sciences), Edited by Roshdi Rashed, London/ New York: Routledge.
- Halleux, Robert (1996), "The Reception of Arabic Alchemy in the West", in: *Encyclopedia of the History of Arabic Science*, vol. 3: *Technology, Alchemy and Life Sciences*, Edited by Roshdi Rashed, London and New York: Routledge.
- Yousof Al-Hassan, Ahmad (2009), *Studies in Al-Kimya: Critical Issues in Latin and Arabic Alchemy and Chemistry*, Georg Olms Verlag, Germany.